

یادداشت

سیمایی که رئیس‌جمهور ندارد



سعیدفائیان

مدرس و فعال رسانه

در دو سه دهه اخیر کارکرد صداوسیما هیچ‌گاه به اندازه امروز غیر همراه و منتقد یک‌سویه رئیس‌جمهور نبوده است.

بیشترین رفاقت، همراهی و توجه البته با خواست و پیگیری هم‌رهان و مسئولان دولت‌های نهم و دهم و شخص رئیس‌جمهور وقت، آقای احمدی‌نژاد و در زمان ریاست آقای خروغامی بر صداوسیما بود. در این دوره، کاملاً مراقبت می‌شد تا گلایه یا انتقادی از دولت نشود.

در زمان دولت اصلاحات در کنار نقد و نظر بعضاً تند نسبت به مواضع دولت، اخبار رئیس‌جمهور در حد قابل قبولی منعکس و نقد و گفت‌وگو درباره رویدادها و عملکردها نیز گاهی با حضور نمایندگان فکری دولت انجام می‌شد. البته دولت آقای خاتمی با همراهی جمعی از فعالان جوان و باانگیزه اشراف و حضور خوبی در مطبوعات پیدا و در این برهه به‌طور کلی منظومه رسانه‌ای کشور تغییر عمده‌ای کرد؛ در حدی که برخی از روزنامه‌ها مرجعیت قابل توجهی در تأثیرگذاری و بازتاب افکار عمومی یافتند، به نحوی که صداوسیما در حال توسعه و با شبکه‌های متعدد و متنوع رادیو و تلویزیونی برای انتشار روزنامه احساس نیاز کرد. در این دوران اصولاً روزنامه‌ها میدان‌دار اصلی بحث، نقد، تبلیغ قضایا و تحولات روز شده بودند. آن زمان با اینکه هیچ رسانه‌ای به اندازه صداوسیما فراگیری جغرافیایی و دربرگیری مخاطب نداشت، با درنظرگرفتن تأثیرگذاری روزنامه‌ها، مدیریت صداوسیما برای حضور بیشتر مطبوعات و رقابت نزدیک‌تر در این عرصه، دست به انتشار روزنامه جام‌جم زد.

در دوران دولت آقای روحانی، شخص رئیس‌جمهور و بعضی از هم‌رهان در مقابل کم‌توجهی صداوسیما علاوه بر همراهی برخی نشریات، از فضای مجازی نیز بهره خوبی می‌بردند و جو مناسبی برای حمایت دولت در این میدان رقابت ایجاد شده بود. این همراهی‌ها بخشی به دلیل هواداری و همراهی دولت و بخشی با انگیزه مقابله با انحصار صداوسیما بود که مجموعه تا حدی دولت‌های یازدهم و دوازدهم از پس مقابله و رقابت با صداوسیما یک‌سونگر برمی‌آمدند. البته زبان تند و تیز و نقدها و کنایه‌های مکرر شخص رئیس‌جمهور هم در فضاسازی های ممکن تأثیرگذار بود.

صداوسیما با دولت مرحوم رئیسی کاملاً همراه بود و حتی قبل از رئیس‌جمهورشدن ایشان و در زمانی که تولیت آستان مقدس امام رضا(ع) را برعهده داشت، بارها به سراغ او رفتند؛ امری که در زمان تولیت قبل از آقای رئیسی در این حجم و مرتبه سابقه نداشت. هم‌رهان شهید رئیسی در دولت سیزدهم با گذشت زمان نیز همچنان از سهم خوبی در شرکت و حضور و نقد و نظر و تحلیل از منظر دیدگاه‌های سیاسی خود در برنامه‌های صداوسیما برخوردارند و دیدگاه‌های سیاسی خود را تحت مدیریت فعلی سازمان بدون محدودیت و حتی بدون حضور نماینده‌ای از تفکر و جریان مورد نقد مطرح می‌کنند. این میزان سهم حضور در صداوسیما نته‌تها برای مجموعه همکاران سابق آقای روحانی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم فراهم نبود، بلکه تقریباً هر روز در برنامه‌ای از مجموعه صداوسیما از سهم نقد مستقیم و کوبیدن غیرمستقیم، نقد از لاف‌اف و بعضاً شفاف به‌رهمند می‌شوند.

اما در قبال شخص رئیس‌جمهور پیشکشان و دولت چهاردهم که به تمام معنا گرفتارترین و تحت فشارترین دولت چند دهه اخیر به لحاظ اعمال سخت‌تر تحریم‌ها، محاصره همه‌جانبه کشور، فشارهای مضاعف بین‌المللی و شرایط جنگی است، اوضاع نامتسا‌ب‌تر و یک‌سویه‌تر از همیشه است. جالب است که همه جناح‌های رقیب و دیدگاه‌های منتقدانه نسبت به رئیس‌جمهور و مجموعه دولت در صداوسیما اجازه طرح نظراتشان را دارند، به‌جز خود دولت که به بهانه‌هایی از قبیل صلاحیت‌های امنیتی، جلوگیری از نامیدشدن مردم، شادندشدن دشمن و دلایل و توجی‌هات وارد و ناوارد مشابه. رئیس‌جمهور و همکاران او نمی‌توانند از سختی‌های کار دولت و مشکلات عدیده اداره کشور، در شرایط فعلی سخن بگویند؟

حتی اگر رئیس‌جمهور در نشست درودرو با مدیران و مسئولان صداوسیما م‌واردی را مطرح و آزردگی و نقدش را از صداوسیما بیان کند، مدیریت صداوسیما به دلیل ملی اندشن مجموعه و برای حفظ وحدت و انسجام ملی از انعکاس نظر رئیس‌جمهور به ویژه در نقد و گلایه‌های نسبت به خود دست‌ک‌ا صداوسیما پرهیز می‌کند.

البته در موارد متعددی برخی از نمایندگان و کارشناسان بدون ذکر تکن‌ک‌ها و مشکلات ملموس فعلی نیش یای دولت که بعضاً اشاره شد، نه‌تن‌ها از پاسخ‌گویی سخت به دشمنان متجاوز خارجی به‌ویژه دولت متجاوز آمریکا و اسرائیل غاصب متجاوز سخن می‌گویند که البته خواست غایی دولت و ملت است، بلکه تحلی‌ل‌گران غیرنظامی و غیرمسئول نحوه پاسخ، جغرافیا و محدوده پاسخ و نام کشورهایی که باید تنبیه شوند و هرآنچه را به نظرشان می‌رسد فارغ از همه محدودیت‌ها مطرح می‌کنند. البته از دید این گوندگان وظیفه دولت بدون ذکر موانع بدون کوچک‌ترین اهمال و در اسرع وقت فراهم‌کردن شرایط مناسب برای پیاده و دنبال‌کردن همین نظرات و رهنمودهاست. درعین‌حال تهیج شرایطی نباید از محاصره دریایی توسط دشمن و تبعات آن، دسترسی‌های سخت زینبی و غیراستاندارد و بعضاً ناپایمن‌بودن بعضی دسترس‌ها، خسارت‌های پی‌درپی واردشده بر امکانات زیربنایی در گوشه و کنار کشور علاوه بر شهید و مجروح‌شدن جمعی از هم‌وطنان که از همه مهم‌تر است، هزینه‌های بازسازی، مشکلات‌ای از قبیل تعطیلی بعضی کارخانه‌ها در اثر نرسیدن مواد اولیه، بیکاری بسیاری به‌ویژه در قشر جوان مشغول فعالیت در عرصه فناوری‌های نوین و فعال در بستر فضای مجازی و البته حوزه تولیدات هنری و... سخن گفت، دولت تا حدی محترم باید همه و این موانع را برطرف کند. هرکس وظیفه خود را به نحو مطلوب انجام دهد، تحلی‌ل‌گر صداوسیما کارش نقد و بررسی و ایرادگیری است. میزان دست‌ بازبودن منتقد را نیز در عمل نزدیک با دوربودنشان به اندیشه و جهت‌گیری سازمان تعیین می‌کند. حتی گاهی می‌تواند حکم عزل یا نظر بر مشکوک‌بودن یا خدای ناکرده عامل‌بودن یا مرتبط‌بودن با محافل بیکانه را از زبان جاری کند و بعد است اتفاقی بیفتد. حادث‌ر در مواردی نادر گفته شده که کارشناس شرط شخصی خود را در رسانه ملی مطرح کرده و بررسی می‌شود یا تذکر داده خواهد شد. البته چندین بار این چنین برخوردی با امثال مجری متخلف هم شده است ولی اندک زمانی بعد مجری یا کارشناسی قی‌ر‌ا‌ق‌ر‌ت‌ر و مدعی‌تر از قبل به همان برنامه یا برنامه‌ای دیگر، برمی‌گردد، چون شان رسانه نباید مخدوش شود. بنابراین پاسخی از فرد هتک حرمت‌شده یا نمایندگان تفکر سرکوب‌شده منعکس نمی‌شود؛ چون وهن یک رسانه ملی است که بخواهد به این مسائل جزئی ورود کند.

بدیهی است مواردی که گفته و نوشته شد، نماد و نشانه‌ای است از آنچه در سال‌های اخیر به‌ویژه چهار، پنج سال آخر روال پر‌تکرار رسانه رادیو و تلویزیون بوده است، شاید در آینده تغییر ایجاد شود اما اینکه تغییر در جهت تشدید، تعدیل یا تصحیح روند فعلی باشد، به قول کارشناسان، آینده معلوم خواهد کرد.



چابوی ۱۷ ساله‌کم‌شده، اسماعیل ن‌کار



آخرین موقعیت نج شاهین ۲



نج شاهین ۲



چابوی کم‌شده، نوید بل‌چ

روایت یک سفر دریایی بی‌بازگشت و روزهای سخت صیادان جنوب؛ ۱۷ صیاد هنوز به خانه بازنگشته‌اند

جاشوهای غریب دریا

دریا فقط برای کشتی‌های بزرگ کان‌تینر نیست و

موشک‌ها فقط به قلب نف‌نکش‌ها نمی‌خورند. صیادان

یا به گفته خودشان، «جاشوها» مدت‌هاست با چشمانی نگران به کرانه وسیع خلیج فارس می‌نگرند. برادر نوید در دریا مفقود شده، مجید لنجش را از دست داده، معیشت عیسی به یک مو بند است، نصیر دیگر دریا را دوست خود نمی‌داند و مسلم امیدوار است دوستانش زنده باشند. همه این افراد که گویی کسی دلش برای آنها نمی‌سوزد، صیادانی هستند در کنارک

«حمید» به دریا زد و دیگر برگشت

نوید بل‌وچ برادر حمید، ملوانی اهل کنارک سیستان‌و‌بلوچستان است که همراه با ۱۷ خدمه دیگر در خلیج فارس مفقود شده. او با صدایی لرزان از شبی می‌گوید که تمام راه‌های ارتباطی و سیستم ناوبری لنج برادرش قطع شده‌اند: «لنج شاهین ۲، پانزدهم اردیبهشت در اسکله کنارک را با ۱۷ خدمه ترک کرد. ۱۷ اردیبهشت در ۷۰کیلومتری کشور عمان هلیکوپتر آمریکایی بالای سر شاهین ۲ و دیگر لنج‌های صیادی آمد تا با زدن منور آنها را متفرق کند. تمام لنج‌ها متفرق شدند و برگشتند، اما از همان لحظه دیگر خبری از شاهین ۲ نشد و حالا که بیش از ۹۰ روز گذشته است، هنوز سرنوشت برادر من و دیگر صیادان مشخص نشده است». حمید مجبور بود به دریا برود، زیر‌ا پس از چهار ماه جنگ و بیکاری، طاقت همه صیادان طاق شده بود: «شغل بیشتر افراد در این منطقه وابسته به صیادی و ملوانی است. از شروع جنگ نمی‌شد به دریا زد و حدود ۸۰ درصد مردم برای چندین ماه بیکار بودند. پس از آتش‌بس با وجود محاصره دریایی کم‌کم صیادی شروع شد اما ما خودمان می‌ترسیدیم، در نتیجه صبر کردیم تا اول برخی بروند و برگردند تا با دیدن شرایط تصمیم بگیریم. آن روز اولین باری بود که لنج ما برای صیادی به دریا رفت اما متأسفانه بازگشت. نوید و برادرش، حمید صاحب لنج بودند؛ لنجی که حاصل دسترنج سال‌ها کار خانواده‌شان بود: «برادر من متوله ۱۳۶۹ و یک سال کوچک‌تر از من است. او از چهارم ابتدایی ترک تحصیل و همراه پدرم صیادی کرد. این لنج حاصل ۳۰ سال کار پدرم و کلی بدهی و قرضی است که ما برادر‌ها بر دوش گرفتیم تا بتوانیم لنجی درست کنیم». او از رنجی که خانواده خودش و خانواده آن ۱۷ صیاد می‌برند، می‌گوید: «اخیراً فرزند یکی از صیادان به دنیا آمده، بدون اینکه پدرش خبر داشته باشد. کوچک‌ترین ملوان لنج ما ۱۷ساله است. او با این سن وارد شغلی شده که برای آدم بالغ هم سخت است اما چون نان‌آور خانه است، مجبور به این کار شد و حالا بدون او وضعیت خانواده‌اش بسیار بد است. یکی از صیادان ما ۵۰ درصد معلولیت و دو بچه با بیماری تالاسمی دارد و چون نخواست کاسه گدایی جلوی کسی دراز کند صیاد شد. خانواده ما هم جلوی خانواده صیادان شرمند است. هرروز از ما می‌پرسند چه شد؟ و ما جوابی نداریم که بدیم. چهار فرزند برادرم نیز پریشان و بدحال هستند». آنها از مراکز مختلفی موضوع را پیگیری کرده‌اند، اما تا‌به‌حال کسی به دادشان نرسیده است: «ما از طریق سفارت ایران در کشورهای دیگر، صلیب سرخ و مسئولان استانی پیگیری کردیم، اما هیچ‌کس به ما جوابی نمی‌دهد و الان تنها امیدواریم با رسانه‌ای‌شدن موضوع کسی به دنبال برادر من و ۱۷ ملوان دیگر برود».

همه بازگشتند، جز «شاهین ۲»

«شب دوم صید، ما و لنج شاهین ۲ در کنار چند لنج دیگر باهم بودیم. نزدیک ساعت یک بامداد خواب بودم، شنیدم ناخ‌دای لنجی که جلوتر از ما بود گفت آمدند بالاسر ما و شاهین ۲. من از اتاقی که در آن خواب بودم بیرون آمدم و لنج‌م را از منطقه دور کردم». ل‌ه‌جه بلوچی غلیظی دارد. تا نام شاهین ۲ می‌آید، هیجان‌زده می‌شود و از شب ۱۷ اردیبهشت می‌گوید که روی آب منتظر خبری از دوستانشان بودند: «دو‌تاد‌ر‌و ما را هواپیما‌ها و هلیکوپتر‌های آمریکایی گرفتند ما هم مجبور شدیم به عقب برگردیم. از همان لحظه ناگهان تمام سیستم‌های ارتباطی و جی‌پی‌اس لنج شاهین ۲ قطع شد. تلاش کردیم جلو برویم تا ببینیم چه شده است، اما از درون یکی از هلیکوپتر‌ها که دره‌ایش باز بود دو نفر به ما دستور دادند حق نزدیک‌شدن ندارید». دو لنج دیگر نیز همان زمان گیر هلیکوپتر‌ها افتادند: «دو لنج که نزدیک شاهین ۲ و جلوتر از ما بودند را هم نگذاشتند برگردند. تا صبح آنها را ن‌که داشتند. ما صبح دیدیم یک ناو بزرگ که به نزدیک لنج‌های ما قرار گرفته است». آن دو لنج برگشتند اما شاهین ۲ هیچ‌وقت برگشت: «ما ترسیدیم دوباره به آن سمت برویم. چون ه‌ر‌بار این کار را می‌کردیم هشدار می‌دادند نزدیک نشوید. بی‌سیم شاهین ۲ نیز قطع شده بود و جوابی نمی‌داد». نصیر می‌گوید این اولین‌بار نبود که کسی از صیادان «کنارک» با برخورد نیروهای نظامی مواجه می‌شود: «چندوقت پیش یکی از لنج‌ها در دریا

با هشدار مواجه و مجبور شد برگردد. وقتی برگشت می‌ترسید دوباره به دریا برود و چند روزی صید نکرد. برای صیادان، کارکردن سخت و ترسانک شده است».

سوخت نیست، صید نیست

صدای دریا می‌آید، مسلم ایرانی، صیادی اهل کنارک است و حالا به گفته خودش در لنجش که تازه از ماهی تخلیه شده است، نشسته تا از آن شب عجیب حرف بزند؛ شبی که شاهین ۲ کم‌شده: «ما با هم بودیم، شش شناور در کنار یکدیگر برای صیادی رفته بودیم و آن شب، دومین شبی بود که روی آب بودیم. نزدیک‌های ساعت یک بامداد صدای هلیکوپتر آمد. تا سر بلند کردیم، شنیدیم به ما هشدار دادند مسیر را تغییر دهیم و برگردیم». برگشتند، همه جز لنج شاهین ۲: «ما تمکین کردیم و مسیرمان را تغییر دادیم، کمی که دور شدیم سعی کردیم خبری از یکدیگر بگیریم، اما نتوانستیم صاحب آن ۲ پیدا کنیم. هیچ صدایی نیز از شاهین ۲ شنیدیم». «مسلم» می‌گوید آنها امیدوارند ملوانان شاهین ۲ اسیر شده باشند یا به کشور همسایه تحویل داده شده باشند: «چندوقت پیش یک لنجی در دریا‌م‌ مورد حمله آمریکا قرار گرفت و صیادانش کم شدند. بعد از چندماه صاحب آن لنج خبردار شد که یک کشتی هندوستانی آنها را نجات داده و در عمان گیر افتاده‌اند. آنها با بدبختی به صاحب لنج خبر دادند و صاحب لنج نیز به مسئولان گفت تا برای آنها کاری کنند.ما امیدواریم برای شاهین ۲ هم چنین اتفاقی افتاده باشد». او تکرار می‌کند این جنگ، کار صیادان را سخت کرده است: «قبلاً صیادان به‌راحتی می‌رفتند و می‌آمدند. الان بیشتر مسیرهای خطرناک است و جرئت می‌خواهد به دریا برویم. از سوی دیگر، مشکل سوخت داریم، به علت اینکه در آب‌های نزدیک ساحل به‌سختی ماهی پیدا می‌شود، مجبوریم مسافت‌های زیادی را طی کنیم تا به ماهی برسیم و این سوخت زیادی می‌خواهد و وقتی سوخت نیست، نمی‌توانیم صید کنیم». او می‌گوید به آنها فقط برای ۷۰ روز دریا رفتن در هر فصل سوخت می‌دهند: «خیلی بخواهند سوخت بدهند برای دو ماه و خرده‌ای است. یک ماه در هر فصل بیکاریم و برای صیاد، بیکاری یعنی بدهی و قسط و بی‌پولی».

لنج‌ها و امید‌ها

«ماه‌ها را خالی کردیم و به خانه برگشتم. نیمه‌شب تماس گرفتند و گفتند به اسکله حمله شده و از سمت لنج‌های ماهیگیری نیز دود بلند شده است. اجازه ندادند ما نزدیک شویم، اما مسئولان بندر گفتند لنج ما دارد می‌سوزد، لنج هم چون پر از ادوات مختلف قابل انفجار است و بدنه‌اش از پلاستیک است، قابل خاموش‌کردن نیست. حمله کار خودش را کرد و شناور ما زیر آب رفت». مجید صالحی، صیادی اهل بندر جاسک در هرمزگان است؛ بندری که مورد حمله قرار گرفت و نزدیک به ۱۰۰ شناور صیادی کناره‌گرفته بر آن از بین رفتند: «ما با قرض و وام و انواع قسط‌ها توانستیم در سال ۱۳۸۹ این شناور را بسازیم. از آن موقع نیز تا الان هرچقدر کار کردیم خرج بدهی‌ها کردیم. با وجود فرسوده‌شدن شناور، به‌تازگی بدهی‌های مربوط به ساخت آن تمام شده بود». مجید می‌گوید معیشت ۴۰ نفر وابسته به این شناور بود؛ حدود ۳۰ نفر صیاد داشتیم و ۱۰ نفر هم به‌طور مستقیم کارهای مربوط به شناور را انجام می‌دادند که الان همه از کار بیکار شده‌اند. تا الان نیز کم‌کی به ما نکرده‌اند، ملوان‌ها بالاخره خرج دارند و باید خودشان را سر پا نگه دارند. در جلسات مختلف نیز به ما کلی وعده و وعید داده‌اند که کمک مالی می‌کنیم، سبدهای غذایی ا‌هدا می‌شود، اما هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است». او می‌گوید حتی کارهای اداری لازم برای تعیین خسارات آنها انجام نشده است: «از ابطال مدارک تا الان کارشناسی خسارات، هیچ‌کدام از این کار‌ها برای ما انجام نشده‌اند. ما به وعده دادند شما به صورت استیجاری شناوری بیاورید، ما به شما در پرداخت هزینه‌ها و تأمین امکانات کمک می‌کنیم که هنوز نکردند. هر پیشنهادی که خودمان می‌دهیم هم نادیده می‌گیرند و رد می‌کنند». شرایط او و صیادان دیگر پیش از از‌دست‌رفتن لنجشان نیز این‌چنان خوب نبود. مجید ادامه می‌دهد: «چند ماه است در اوج اضطراب و نگرانی هستیم. حتی این مسئله که چه زمانی به دریا برویم و ک‌جا

یا جاسک که حیات و ممانشان وابسته به دریاست و با هر‌خ‌بر جنگ و صلح، زندگی‌شان از این رو به آن ر‌و می‌شود. آنها از اسفند پارسال تا امروز منتظر روزی هستند که با خیال راحت و بدون نگرانی از سررسیدن هلیکوپتری آمریکایی یا موشکی رهگذر، به دریا برزند و با ماهیگیری، معیشت خود و خانواده‌شان را تأمین کنند؛ معیشتی که فارغ از جنگ نیز به‌واسطه کمبود سوخت، صید ترال، از‌بین‌رفتن زیستگاه ماهی‌ها و هزینه‌های بالای وسایل ماهیگیری درگیر بحران‌های زیادی بود.

لنج را متوقف کنیم به مسئله‌ای بزرگ تبدیل شده است. از سمت دیگر یک خانواده سال‌ها نگرانی و فشار تحمل می‌کند تا شناوری ساخته شود، شناور نیز ساخته می‌شود تبدیل به منبع معاش و زندگی جمعی می‌شود، برای تمام مردم اینجا اینکه ناگهان در یک شب تعداد زیادی از افراد لنج خود را از دست دادند، سخت است». به گفته او، لنج فقط یک وسیله نقلیه یا کار برای جاشوهای جاسک نیست: «لنج و دریا در تاریخ و هویت ماست؛ در طول تاریخ، این دریا مردم را از گرسنگی و بیکاری نجات داده است و همه به شکلی وابسته به دریا هستند. وقتی چنین وضعیتی پیش می‌آید، مردم احساس بیچارگی می‌کنند».

صید کم، خطر زیاد

«به‌دلیل جنگ و نگرانی از حادثه، آن عمقی که قبلاً برای ماهیگیری می‌رفتیم، نمی‌توانیم برویم، از سوی دیگر چون زیستگاه ماهی‌ها به علت صید‌های ترال در مسافت‌های نزدیک از بین رفته، میزان صید هم کاهش یافته است. در منطقه ما سوخت کم شده و دیگر مثل گذشته هر ماه اول برج به ما سوخت نمی‌دهند. جی‌پی‌اس‌ها نیز خراب است و در جنوب که معمولاً دریا مه‌آلود است، صیاد مجبور می‌شود یک شب تا صبح روی آب بماند تا بتواند در روز مسیر بازگشت را پیدا کند». عیسی رشیدی صدای گرفته و خسته‌ای دارد. او جاشویی اهل جاسک است که تازه از دریا بازگشته: «کم و با تأخیر سوخت می‌دهند. این باعث تعطیلی خیلی کار‌ها شده است، چون برای باربر، حمل‌کننده ماهی‌های صید‌شده و خ‌ود‌رو‌های ک‌ر‌د‌م‌انی لنج‌ها نمی‌صرف تا با سوخت قیمت آزاد آزاد هر روز کار کنند. اگر بخواهند هم سوخت قیمت آزاد پیدا نمی‌شود. وضعیتی شده که دست و بالمان را بسته است». او ادامه حرف‌هایش را می‌گیرد و می‌گوید در این وضعیت نوبتی کارکردن، تبدیل به یک عادت اجباری شده است: «قبلاً خیلی روان لنج‌ها خالی می‌شد و باربر‌ها کار می‌کردند، الان هفته‌ای یک بار نوبت هر باربر می‌شود تا ماهی خالی کند. همین‌طور قبل از این اتفاقات هر لنج به‌شکل روزانه یخ و خدمات مورد نیازش را دریافت می‌کرد، الان مثلاً یک لنج باید دو روز بخوابد تا نوبتش شود». صید‌شان به‌شدت کم شده است: «قبلاً به آب‌های بین‌المللی با ۱۲ مایل تا عمق دریا برای صید می‌شد رفت، الان نهایتاً هشت یا ۹ مایل می‌توانیم به آب برنیم، چون بیشتر که برویم، هم خطرناک است و هم جی‌پی‌اس کار نمی‌کند». این وضعیت، افراد زیادی را بیکار کرده است: «لنج‌های زیادی آسیب دیده‌اند. صید نیز به طور کل کم شده است. جاشوهای زیادی مجبور شده‌اند به مناطق غربی حاشیه خلیج فارس بروند، به قش‌م و دیگر بندرها برای پیداکردن کار سر بزنند. در این منطقه ما شرایط ج‌ش‌و‌ر‌و‌ی و دامداری نداریم و همه مجبورند نا‌شان را از دریا دریاب‌ورند». او به وضعیت دوستانش اشاره می‌کند که لنج خود را از دست داده‌اند: «آنها‌ی که لنجشان را از دست داده‌اند سردرگم هستند و به این امید نشسته‌اند تا مسئولان کمکی کنند یا راهکاری به آنها ارائه دهند. ماه‌ها از آن شبی که به اسکله حمله شد گذشته اما هنوز این بندگان خدا سردرگم مانده‌اند». به گفته عیسی، در صورت تداوم این وضعیت، ماه‌های سختی پیش روی صیادان است: «خواه‌بند لنج‌ها باعث آسیب‌دیدن ابزار‌ها می‌شود، ما ابزارمان را با دلار و درهم می‌خریم و اگر از بین بروند دیگر امکان خرید دوباره نداریم. برای مثال یک طاق م‌ورد‌ن‌یاز صید ماهی تن ۱۸۰ میلیون تومان است، ش‌ما تصور کن است، هر لنج ۵۰ طاق دارد، ش‌ما تصور کن این طاق‌ها آسیب ببینند یا مستهلک شوند، با این وضعیت صید، چگونه می‌توانیم دوباره طاق بخریم؟».

عیسی رشیدی:

خوا‌ب‌ب‌ند لنج‌ها باعث آسیب‌دیدن ابزار‌ها می‌شود، ما ابزارمان را با دلار و درهم می‌خریم و اگر از بین بروند دیگر امکان خرید دوباره نداریم، برای مثال یک طاق م‌ورد‌ن‌یاز صید ماهی تن ۱۸۰ میلیون تومان است، هر لنج ۵۰ طاق دارد، ش‌ما تصور کن این طاق‌ها آسیب ببینند یا مستهلک شوند، با این وضعیت صید، چگونه می‌توانیم دوباره طاق بخریم؟

نگاه حقوقی

نقش پنهان ناظران در حوادث ساختمانی



پیمان حاج‌محمود‌عطار

وکیل دادگستری

حادثه سقوط بخشی از یک تاور کرین در یک پروژه ساختمانی در غرب تهران که طی آن به یک ساختمان مسکونی پنج‌طبقه خسارت وارد شد و چندین واحد مسکونی و خودروهای متوقف‌شده را با آسیب جدی مواجه کرد، بار دیگر اهمیت رعایت ضوابط ایمنی و نقش نهادهای نظارتی در پیشگیری از حوادث ساختمانی را در کانون توجه افکار عمومی قرار داد. هرچند علت دقیق این حادثه هنوز از سوی مراجع ذی‌صلاح اعلام نشده و بررسی‌های کارشناسی ادامه دارد، اما چنین رخداد‌هایی این پرسش بنیادین را مطرح می‌کند که اگر در فرایند نظارت، بازرسی و کنترل ایمنی، کوتاهی یا ترک وظایف قانونی رخ داده باشد، مسئولیت حقوقی و کیفری اشخاص و نهادهای ناظر چگونه قابل ارزیابی است؟ در حقوق کیفری، مسئولیت فقط از انجام فعل مجرمانه ناشی نمی‌شود، گاه خودداری از انجام تکلیف قانونی (ترک فعل) نیز می‌تواند منشأ مسئولیت باشد. اگر مقام ناظر، بازرسی یا شخصی که قانوناً مکلف به کنترل ایمنی، گزارش تخلفات یا جلوگیری از ادامه عملیات خطرناک است، بدون عذر موجه از انجام وظیفه خودداری کند و این ترک فعل رابطه سببیت با حادثه داشته باشد، امکان بررسی مسئولیت انتظامی، مدنی و در مواردی کیفری او وجود دارد. در حوزه ساخت‌وساز، نظام مهندسی، مهندس ناظر، مجری ذی‌صلاح، شهرداری و سایر مراجع نظارتی هریک وظایف مشخصی دارند. هدف از این تقسیم وظایف، پیشگیری از وقوع حوادث است، نه صرفاً رسیدگی به پیامدهای آن. اگر نظارت‌ها صرفاً تشریفاتی باشد یا گزارش‌های فنی با دقت لازم تنظیم نشود، فلسفه وجودی این نظام نظارتی زیر سؤال می‌رود. از منظر جرم‌شناسی، بسیاری از حوادث ساختمانی قابل پیشگیری هستند. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد کاهش این حوادث بیش از آنکه به تشدید مجازات‌ها وابسته باشد، به افزایش کیفیت بازرسی، استقلال ناظران، پاسخ‌گویی مأموران نظارتی و اعمال نظارت مستمر بستگی دارد. هر حادثه ساختمانی باید فرصتی برای بازنگری در نظام نظارت باشد. اگر بررسی‌های کارشناسی نشان دهد حادثه ناشی از نقض مقررات فنی یا ترک وظایف قانونی بوده است، مسئولیت نباید صرفاً متوجه مجری یا پیمانکار باشد، بلکه نقش همه اشخاص و نهادهایی که قانوناً مکلف به پیشگیری از وقوع خطر بوده‌اند نیز باید به‌دقت بررسی شود. حکمرانی مطلوب در حوزه ایمنی ساختمان زمانی محقق می‌شود که اصل پاسخ‌گویی بر تمام ارکان حاکم باشد. همان‌گونه که سازه‌ده در برابر تخلفات خود مسئول است، ناظر، بازرس و هر مقام دارای تکلیف قانونی نیز باید نسبت به ترک وظایف خویش پاسخ‌گو باشد. بی‌توجهی به ترک فعل‌های نظارتی نه‌تنها عدالت را مخدوش می‌کند، بلکه زمینه تکرار حوادث مشابه را نیز فراهم می‌آورد.

خبر

۱۵,۵۰۰ بیمار هموفیلی در کشور

ایستنا:رئیس گروه بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج وزارت بهداشت با اشاره به ثبت ۱۵هزارو ۵۰۰ مبتلا به هموفیلی کشور، ازدواج قایل‌ی و سابقه خانوادگی را از مهم‌ترین علل خطر ابتلا به این بیماری خواند. معصومه هداوندخانی درباره بیماری هموفیلی افزود: «هموفیلی یک بیماری ارثی اختلال انعقاد خون است که به اثر کمبود یا نقض برخی فاکتورهای انعقادی ایجاد می‌شود. ریسک فاکتورهای بیماری هموفیلی شامل عوامل «ژنتیکی»، «جهش جدید» (جهش خودبه‌خودی) و هموفیلی اکتسابی می‌شود که عوامل ژنتیکی شایع‌ترین علت این بیماری به «سابقه خانوادگی هموفیلی، ناقل‌بودن مادر و ازدواج‌های فامیلی که می‌توانند احتمال بروز برخی اختلالات ارثی انعقادی (به‌ویژه انواع نادر) را افزایش دهند، جزء عوامل خطر هموفیلی قلمداد می‌شوند».